بسمه تعالی

شماره آرشیو : 1302

اگر کسی جنسی فروخته باشد به مدت که پولش را نقدا گرفته.کسی که الان پول گرفته که اول دی جنس را تحویل بده و میان خودشان هم فروشنده و خریدار قرار گذاشته اند که اگر سر موعد جنس را تحویل نداد فروشنده خسارت وارده را تحمل کند او هم قبول کرده و بعد سر موعد هم تحویل نداده تاخیر شده جنس هم تنزل کرده.اگر سر موعد مثلا تحویل می داد 100 تومان بود حالا که تاخیر افتاده شده 70 تومان.قیمتش 30 تومان پایین آمده و این خسارت را خریدار حق دارد از فروشنده مطالبه کند یا خیر.اشاره به اینکه نه حق ندارد حق خریدار خسارت را از اونمطالبه کند ولی حق فسخ دارد.این حق را دارد معامله را فسخ کند چون تخلف شرط شده چون خیال تخلف شرط دارد دیگه.شرط این بود که سر موعد تحویل بده و طبق شرط عمل نکرده چون عمل نکرده خریدار حق دارد فسخ کند معامله را یعنی اون جنسی را که گرفته برگرداند به فروشنده و پول خودش را بگیرد اگر به این کیفیت باشد حق فسخ دارد باز همان قبلا هم عرض شد این مسئله که سوال می کند که من مثلا از کارخانه ی مربوطه ای ماشین خریده ام روی نوبت گذاری ماشین خریدم و بعد هم چون در بازار آزاد گرونتر می خرند آنرا فروخته ام.مثلا ارزان خریده ام از کارخانه و بازار آزاد گرونتر فروخته ام.این اشکالی دارد یا نه؟اینجا اگر چنانچه آن کارخانه که فروشنده بوده شرط کرده بوده که نفروشد به قصد اینکه نفروشد به او داده بوده خب این وظیفه دارد که عمل طبق شرط کند اگر هیچ شرط نکرده که عیبی ندارد.اگر آن کارخانه شرط نکرده که نفروشد خب این خریده ارزانتر و فروخته گرانتر در بازار آزاد،اشکالی نیست.اما اگر شرط کرده بوده که نفروشد این واجبه که طبق شرط عمل کند و اگر هم نکرده حالا عمل نکرده طبق شرط فروخته خب این معامله اش درسته و مالک پول هم می شود الا اینکه اون کارخانه اگر با خبر شد حق فسخ دارد چون تخلف شرط شده و چون تخلف شرط شده او حق فسخ دارد که ماشین را پس بگیرد و پولش را برگرداند.پس اگر در ضمن عقد هیچ شرط نکرده اند اشکالی ندارد از کارخانه ارزانتر خریده توو بازار آزاد هم گرانتر فروخته.این مانعی نیست.اگر شرط کرده بوده که نفروشد این وظیفه دارد طبق شرط عمل کند و اگر هم نکرد معامله اش درسته الا اینکه اون فروشنده حق دارد معامله را فسخ کند چون تخلفش شرط شده چون خیال تخلف شرط دارد.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

إِنَّ الَّذينَ كَفَروا وَيَصُدّونَ عَن سَبيلِ اللَّهِ وَالمَسجِدِ الحَرامِ الَّذي جَعَلناهُ لِلنّاسِ سَواءً العاكِفُ فيهِ وَالبادِ ۚ وَمَن يُرِد فيهِ بِإِلحادٍ بِظُلمٍ نُذِقهُ مِن عَذابٍ أَليمٍ آیه ی 25 از سوره ی مبارکه ی حج

که آیا ت شریفه اش توضیح داده می شود.اینجا خداوند حکیم تهدید کرده اون گروهی که کاری می کنند که مردم را از راه خدا باز می دارند مخصوصا راجع به مسجد الحرام.کاری کنند که مردم را از مسجد الحرام باز بدارند این ها را تهدید کرده خداوند به عذاب الیم.حالا کلمه ی حرام که گفته می شود مسجد الحرام یا بیت الحرام،حرام یعنی محترم اصلا معنای حرام این است دیگه.یعنی محترم.البیت الحرام یعنی خانه ی محترم یعنی خانه ایست که احترام عمومی دارد.همه ی مسلمانها بر اون خانه احترام قائلند یا اینکه الشهر الحرام ماه حرام مثل ماه ذی الحجه ماه ذی القعده ماه محرم ماه رجب اینها ماه های حرامند یعنی محترمند.الشهر الحرام یعنی ماه محترم المشعر الحرام مثلا مشعر الحرام اون معبدی که محترم است.مسجد الحرام اینها حرام یعنی محترم اگر این محرمات را میگیم حرام حالا از این قبیله.این فلان چیز حرام است یعنی باید حرمت را رعایت کنند و حریم بگیرند و به اون حد نزدیک نشوند محترم است یعنی فرمان خدا احترام دارد در اون حد و در اون مرز که رسیدند باید حریم بگیرند.ولذا در روایت داریم که لكل ملك حمى هر سلطانی یک قرق گاهی (6:47) برای خود دارد. وإن حمى الله محارمه مراقب باشید که قرق گاه خدا هم محرمات خداست.این حرام هایی که خدا معین کرده قرق گاه خداست.کسی حق ندارد به آنجا داخل بشود همان گونه ای که سلطانی قرقگاهی معین می کند و دیگران حق ندارند به قرق گاه سلطان وارد بشوند در اطراف قرق گاه هم خود روایت كَمَا لَوْ أَنَّ رَاعِياً رَعَى إِلَى جَانِبِ اَلْحِمَى  اگر یک چوپانی برود در اطراف قرق گاه سلطان گوسفندان خود را بچراند این در معرض خطره.چون ممکنه یه وقت گوسفندها بیفتند در قرق گاه و اون چوپان را به آتش قهر سلطان بسوزاند.شما هم مراقب باشید خدا قرق گاهی دارد محرمات اینها قرق گاه خدا هستند.کسی حق ندارد داخل بشود.اطراف قرق گاه هم مکروهات مشتبهات.مراقب باشید دور و ور اینها هم نچرخید نگید فلان چیز مشتبهه مشکوکه عیب ندارد حالا هر چی مشکوکه عیب ندارد مشتبهه عیب ندارد مکروه عیب ندارد این عیب ندارد عیب ندارد کم کم شما را به محرمات نزدیک می کند و اون حرمت حرام از بین می رود دیگه ولذا همانطوری که چوپان حق ندارد در اطراف قرق گاه سلطان گوسفندها را بچراند نکند ناگهان وارد بشوند شما هم حریم بگیرید مکروهات هم ترک بکنید مشتبهات هم ترک بکنید که به حرام آلوده نشوید بله چون مشتبهه حالا عیبی ندارد ولی این هم خودش یک هتاکی می شود تا بگیم فلان چیز مشکوکه.مشکوکه عیب ندارد حرام نیست.خب مشکوکه،مشکوکه فلان صدا مشکوکه من که نمی دانم حالا غنا هست یا نیست.از اینحرفا می زنیم دیگه من که نمی دانم غنا هست یا نه کلاه سر خود آدم گذاشتنه و چه بسا می دانم هست اما خب حالا مشکوکه خب بسیار خب مشکوکه.هر مشکوکه عیبی ندارد کمی همین مشکوکه هست کم کم آدمی را به حرام مسلم نزدیک می کنه ولذا رسول خدا در این حدیث فرمود کنار بگیرد در مشکوکات در مشتبهات این بهانه نشود برای شما که چون مشکوکه چون مشتبهه عیبی نداره.همین ها شیطان وسوسه می کند هی قدم به قدم شما را به حریم گناه می کشاند.آدمی که فاصله گرفته مکروهات یا مشتبهات را انجام نمی دهد به این سادگی نمی شود به حرام آلوده بشود این خودش یک حریمی ست ولی به این حال که آلوده شد کم کم به حرام نزدیک می شود و در مستحبات هم به همین کیفیته.مستحبات را ترک نکنید تا کم کم به ترک واجب نرسید.آدمی که مستحبات را ترک می کند این که مستحبه عیب ندارد اون مستحبه عیب ندارد همین جور دیگه مستحبه مستحبه ترکش عیبی ندارد کم کم به واجب هم عیبی ندارد.این هم چون عادت کرده به عیب نداره دیگه در واجب هم می گوید عیب ندارد.اما از اول که نه حریم می گیرد مستحبات را که مراقب این چنین آدم ممکن نیست واجبات را ترک کند آدمی که نماز شبش ترک نمی شود هیچ ممکن نیست نماز صبحش ترک بشود اما کسی که ترک می کند هی کم کم به نماز صبح هم می افتد نماز شبش هی ترک شد خب یکم نماز صبح قضا می شود این خیلی باکش نیست ولذا این حریمی ست محرمات حرامند محترمند قرق گاه خدا هستند مراقب باشید در اطراف قرق گاه گوسفند را نچرانید.مشتبهات اطراف قرق گاه است.این نفس اماره ی خود را به قرق گاه نزدیک نکنید.مشتبهات را مرتکب نشوید مشکوکه.مشکوکه کلاه سر خودتان نگذارید کم کم به حرام بیفتید پس حرام عرض شد که یعنی محترم.حالا کلمه ی از مسجد الحرام که در آیه ی شریفه هست آیا مراد از مسجد الحرام همان مسجد الحرامه؟یا اینکه همه ی مکه؟احتمال این است که همه ی مکههم گفته بشود به او مسجد الحرام احتمال اینکه در این آیه ی شریفه هم مراد همان باشد که کسانی که منع می کنند که مردم وارد مکه بشوند آنها محکوم به عذاب هستند.نه تنها وارد مسجد الحرام نشوند ولذا بعضی اینجور معنا کرده اند آیه ی شریفه را که مسجد الحرام مراد اینجا خود مسجد نیست.بلکه یعنی تمام مکه کما اینکه در آیه ی معراج هم این احتمالش هست که سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى که رسول خدا را از مسجد الحرام حرکت دادند به مسجد الاقصی.خب طبق تاریخی که هست در خود مسجد نبوده آغاز معراج از شهر مکه بوده نه از خود مسجد.یعنی در آغاز معراج در خانه ی خدیجه سلام الله بودند احتمالش هست که از خانه ی خدیجه شروع شده آغاز معراج یا اینکه در شعب ابی طالب بوده اند که از شعب حرکت کرده اند یا در خانه ی ام هانی بوده اند خواهر حضرت علی ؟ع؟ این احتمالات هست که در خانه ی ام هانی بوده اند یا در خانه ی خدیجه ؟ع؟ یا در شعب ابی طالب بوده اند اگر این باشد اونوقت این مسجد الحرام می شود مکه دیگه. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ یعنی از مکه حرکت دادند این احتمالش هست که مراد از مسجد الحرام همان مکه باشد خب پس کسانی که صد عَن سَبيلِ اللَّهِ  می کنند وَالمَسجِدِ الحَرامِ  بعد الَّذي جَعَلناهُ لِلنّاسِ ما این مسجد الحرام را برای همه ی مردم قرار داده ایم اگر بنا شد مکه باشد یعنی ما مکه را برای همه ی مردم قرار دادیم خب یعنی چی؟مال همه ی مردم؟ اینجا موضوع احتمال است.مال همه ی مردم یعنی معبد همه ی مردم است.معبد همه ی مردمه نه اینکه ملکش مال همه ی مردمه.معبد بودنش مال همه ی مردمه.همه ی مردم حق دارند در آنجا عبادت کنند و لذا کسی حق ندارد مسلمانی را از ورود به مکه و مسجد الحرام منع کند چون مال همه است مال کسی نیست مال یک شخصی نیست مال یک دولتی نیست که مثلا بگیم اینجا پایگاه من هست و اینجا مرکز تبلیغاتی من هست و مرکز حکومت من هست.نه کسی حق ندارد.مگر بعنوان نظم و رعایت نظم باشد.کسی حق ندارد که مکه را شخصا یا حکومتا پایگاه خودش قرار دهد مال مردمه جَعَلناهُ لِلنّاسِ مال همه ی مردمه.تمام بندگان خدا در آنجا حق دارند یعنی احتمال اینکه هم معبد همه ی مردم است احتمالش هم دادند بعضی فقها که حتی ملکش هم مال همه ی مردمه یعنی اون خانه ها هم مال کسی نیست.اهل مکه مالک اون خانه ها نیستند حق ندارند بفروشند.حق ندارند اجاره بدهند چون مال خودشان نیست فروش مال مالکه. اجاره مال مالکه.کسی که مالک چیزی نیست نه حق فروش دارد نه حق اجاره دارد ولذا داریم توو فقها البته از گذشتگان از فقها داریم کسانی که فتوا به تحریم داده اند فتوا دادند که حرام است.اهل مکه خانه ها را بفروشند خرید و فروش کنند یا اجاره بدهند.این حق را ندارند بلکه خب سکونت دارند.وقتی موسم حج که می شوند باید در اختیار حجاج بگذارند و مال آنهاست و این احتمال هم هست که جَعَلناهُ لِلنّاسِ میگه لام لامه ملک باشد که مال همه ی مردمه.احتمال است البته و فتوا هم داریم توو فقها فتوا بعضی داده اند به این مسئله ولی خب اکثرا می گویند نه.ملک کسی نیست.حالا خب اونی که هست آنجا مالکند عیبی ندارد خرید و فروش حتی روایت هم داریم در ضمن که در نهج البلاغه هم هست که آنجا حضرت علی ؟ع؟ به قثم بن عباس که فرماندار مکه بوده چون در زمان خودشان که آنجا این نامه را مقرون فرمودند: وَ مُرْ أَهْلَ مَكَّةَ أَلاَّ يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنٍ أَجْراً به اهل مکه دستور بده که حق ندارند کسی که آمد توو خانه ای سکونت کرد ازش اجرت بگیرند أَلاَّ يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنٍ أَجْراً فَإِنَّ اَللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ به همین آیه استشهاد فرمودند چون خدا فرموده  سَواءً العاكِفُ فيهِ وَالبادِ بله چون مکه برای همه ی مردم به طور مساوی مال همه ی مردمه.  فالعاکف المقيم اون کسی که در آنجا مقیم است عاکف تعبیر شده در آیه.  و البادي الذي يحج اليه من غير اهله برای اون کسی که از خارج وارد می شود بادی تعبیر شده و اون کسی که آنجا مقیمه عاکف است.که آیه هم فرمود جَعَلناهُ لِلنّاسِ ما این مکه را برای همه ی مردم قرار دادیم سَواءً العاكِفُ فيهِ وَالبادِ چه اون کس که مقیم است چه اون کس که از خارج می رود همه ی مردم مساوات دارند در آنجا و از امام صادق ؟ع؟ هست كانت مكة ليس على شيء منها باب در زمان سابق خانه ی مکه در نداشت.چون مالک معین که نبودند در را ببندند که.اصلا در نداشت. و كان أول من علق على بابه المصراعين معاوية بن أبي سفيان کسی که دو لنگه ای گذاشت در خانه های مکه معاویه بود.قبلا در نداشت و مثل اینکه مال همه هر کسی وارد بشود.  و ليس ينبغي لأحد بعد امام ؟ع؟ فرمود و ليس ينبغي لأحد أن يمنع الحاج شيئا من الدور و منازلها و لذا کسی حق ندارد در آنجا حجاج که وارد می شوند کسی را از ورود به اون خانه ها منع کند.پس خلاصه این مطلب هم هست که جَعَلناهُ لِلنّاسِ ما این مسجد الحرام را مکه برای مردم قرار داده ایم احتمالا یعنی ملک همه ولی خب فتوای اکثر بر اینه که اینطور نیست و مالک می شوند منتهی خب اخلاقا خوبه که آنها مساوات کنند مواسات کنند بعد سَواءً العاكِفُ فيهِ وَالبادِ و همه ی مردم چه کسانی که در خارج هستند یا داخل آنها مساوی هستند. وَمَن يُرِد فيهِ بِإِلحادٍ بِظُلمٍ نُذِقهُ مِن عَذابٍ أَليمٍ و هرکه بخواهد در سرزمین مکه دست به ظلم بگشاید الحادی کند و از طریق مستقیم دین کنار برود به عذاب الیم گرفتارش می کنیم و عذاب دردناک میچشانیم.حالا از این آیه استفاده میشه بطور کلی هر کسی کاری کند که شخصی یا جمعی را از راه خدا برگرداند محکوم به همین حکم آیه هست که عذابه وَيَصُدّونَ عَن سَبيلِ اللَّهِ وَالمَسجِدِ الحَرامِ  هر کسی کاری کند که مردم درباره ی دین بد بین بشوند مثلا سست بشوند حالا فرقی نمی کند هر که می خواهد باشد و این خیلی خطرناکه و هر کسی اگر جوری حرف بزند جوری کار کند که مردم بدبین بشوند به اسلام و به عبادت خدا و به دین خدا بدبین بشوند صد عن سبیل الله می شود و مردم را باز داشتن و قرآن زیاد هم تهدید کرده مثلا این می فرمایند که وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّه کی ظالم تر از اینه که ما مردم را از مساجد خدا منع کند باز بدارد حالا به هر کیفیتی به قول برنامه های تبلیغاتی جوری بشود که مردم از مسجد منزجر بشوند برنامه های عملی واویلا مثلا از قبیل ماها باشیم متدین باشیم مردم به نظر تدین به ما نگاه کنند اونوقت ما کاری کنیم که مردم بدبین بشوند به دین به قرآن و به روحانیت و اینها همه شان از قبیل همین آیه می شود وَيَصُدّونَ عَن سَبيلِ اللَّهِ  دیگه لَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ  راه زنی نکنید سر راه مردم ننشینید که مردم را از راه خدا باز بدارید مَنْ آمَنَ مومنها را باز بدارید وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا یعنی دین را کج به مردم معرفی کنید کاری نکنید که قیافه ی دین را بد نما کنید در نظر مردم برای کفار این کار را نمی کنند.مردم نمی خرند از اونها یعنی کفار بیایند در دین دخالت کنند خب مردم گوش نمی دهند و ما بخواهیم بگیم خب گوش می دهند ما یه جوری کنیم که مردم گوش بدهند به حرف ما.اگر کج معرفی کنیم مشمول همین آیه واقع می شویم که نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ عذاب دردناک ما برایشان می چشانیم.ممکنه پدر توو خانواده اش جوری عمل کند که اولاد خودش را بدبین کند به دین بدبین کند که مادر عمل کند اینجوری هست مسلمانها خودشان کاری کنند حالا هر کسی در هر رشته ای که هست در هر راهی که هست بخواهد بخواهد کاری کند که شخصی را یا جمعی را بدبین کند به اسلام و قرآن و روحانیت و دین این مشموله همین آیه می شود صدّ عن سبیل الله میشه.امام سجاد ؟ع؟ یک نامه ی تندی مرقون فرمود به زهری محمد بن مسلم زهری که در گذشته ام یک ذکری از او به میان آمد و او البته مردی بود خیلی محترم شخصیت عظیمی بود فقیه هم بود یعنی مرد عالمی بود از علمای دینی به حساب می آمد از فقهای مدینه منتهی توو دستگاه بنی امیه بود خب حکومتهای جائر همه سعی می کردند که از این شخصیت های وجیه المله به خودشان جذب کنند و خودشان را مقبول عند الله نشان بدهند دیگه واینها خیلی موثر بودند دردستگاه امت بنی امیه . بنی عباس اینها خیلی اثر می گذاشتند این مرد از اینها بود با اینکه مرد فقیهی بود مرد عالمی بود ولی وابسته به دستگاه بنی امیه بود حالا وزیر بود چه بود بهرحال یک مقام عالی داشت و اظهار ارادتی هم به امام ؟ع؟ داشت ولذا امام یک نامه ی تندی برای او نوشته اند در همان مقامی که داشته که از اول شروع می کنند كَفانا اللّه ُ و إيّاكَ مِنَ الفِتَنِ خداوند هم ما را هم شما را از فتنه ها باز بدارد و رَحِمَكَ مِنَ النّارِ خدا بر تو رحم کند که به جهنم تو را نبرد  فقَد أصبَحتَ بِحالٍ تو الان در یک موقعیتی قرار گرفتی که هر کس تو را بشناسد باید به حال تو گریه کند يَنبَغي لِمَن عَرَفَكَ بِها أن يَرحَمَكَ شایسته است کسی که بداند تو چه می کنی بر تو رحم کند دلسوزی کند بعد خداوند به تو نعمت ها داده أثقَلَتكَ نِعَمُ اللّه ِ بِما أصَحَّ مِن بَدَنِكَ  عمر طولانی داده حَمَّلَكَ مِن كِتابِهِ قرآن یادت داده فَقَّهَكَ فيهِ مِن دِينِهِ تو را در دینش فقیه کرده که معلوم می شود که امام او را عنوان فقیه هم می شناخته تو را خداوند فقیه در دین قرار داده تو را از حَمَله ی کتاب به قرآن قرار داده عَرَّفَكَ مِن سُنَّةِ نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله تو آدم بی خبری نیستی مردی هستی عالم هستی فقیه و از سنت پیغمبر با خبری فَانظُر أيَّ رَجُلٍ تَكونُ غَدًا حالا دور چشمت باز کن ببین که فردا در محضر خدا در پیشگاه خدا چه موقعیتی خواهی داشت  إذا وَقَفتَ بَينَ يَدَيِ اللّه ِ فَسَأَلَكَ عَن نِعَمِهِ عَلَيكَ ، لا تَحسَبَنَّ اللّه َ قابِلاً مِنكَ بِالتَّعذيرِ فردا عذر بیاری پیش خدا و عذرت قبول بشود مثلا از این بهانه ها من دیدم مصلحت اقتضا می کند خواستم آنها را مثلا ارشاد کنم به هدایت از این حرفا دیگه.رفتم به دستگاه انها که آنها را هم بیاورم مثلا نه فردا خدا از تو عذر قبول نمی کند.بدان تنها گناهی که بزرگترین گناهی که داری همینه که احتَمَلتَ أن آنَستَ وَحشَةَ الظّالِمِ کاری کرده ای که اون ظالم را از ترس انداخته ای.همین که تو رفتی آنجا دیگه ترسشان کم می شود میگن اگر بنا بود ما پیش خدا مقبول نباشیم او نمی آمد به دستگاه ما.این مردی که عالم هست و فقیه هست و پیش مردم محترم است و اینها.با ما همراه نمیشد از اینکه آمده با ما همراهی کرده ترسشان از خدا کم می شود.این کمترین گناه تو همینه. أدنى ما كَتَمتَ وأخَفَّ مَا احتَمَلتَ أن آنَستَ وَحشَةَ الظّالِمِ وسَهَّلتَ لَهُ طَريقَ الغَيِّ تو رفتی راه را هموار می کنی برای آنها راه ظلم و ستم را برایشان هموار می کنی جَعَلوكَ قُطبًا تو نمی فهمی تو را مانند قطبی قرار داده اند و آسیاب حکومت خود را بر محور تو می چرخانند. جَعَلوكَ قُطبًا أداروا بِكَ رَحى مَظالِمِهِم آسیاب ظلمشان را بر محور تو می چرخانند. وجِسرًا يَعبُرونَ عَلَيكَ إلى بَلاياهُم تو را پل قرار داده اند از روی تو عبور می کنند به اون اهداف شیطانیشان می رسند. يُدخِلونَ بِكَ الشَّكَّ عَلَى العُلَماءِ حتی کاری کرده ای که علما هم به شک افتاده اند.حالا عوام که هیچی.علما هم گفتند اگر واقعا خب بله اگر بد بود خب این چرا؟این که بزرگتر از ما بوده این چی شده مثلا؟رفته به دستگاه آنها حتی علما را هم به شک انداخته ای. يُدخِلونَ بِكَ الشَّكَّ عَلَى العُلَماءِ ، ويَقتادونَ بِكَ قُلوبَ الجُهّالِ هم مردم عوام را با وجود تو صیدشان می کنند شکارشان می کنند هم علما را با وجود تو به شک می افکنند. فَما أقَلَّ ما أعطَوكَ چقدر تو زیان کرده ای.چه داده اند به تو و چه گرفته اند ازت؟به تو دادند یک منصبی و ریاستی وزارتی از آن طرف دین تو را گرفته اند.آیا این معامله درست بوده؟ما أعطَوكَ في قَدرِ ما أخَذوا مِنكَ ؟! وما أيسَرَ ما عَمَروا لَكَ تو را اندکی آبادت کرده اند از آن طرف سخت ویرانت کرده اند.بله زندگی دنیوی تو را آباد کرده اند ولی آخرتت را ویران کردند. فَما أخوَفَني من نگران از این مطلبم که تو در روز قیامت مشمول این آیه باشی خَلَفَ مِن بَعدِهِم خَلفٌ وَرِثُوا الكِتابَ يَأخُذونَ عَرَضَ هذَا الأَدنى ويَقولونَ سَيُغفَرُ لَنا که خداوند مزمت می کند.یک گروهی آمدند قرآن را هم بدست گرفتند خودشان را به عنوان اینکه ما دارای قرآن هستیم معرفی کردند و دنیا به آنها روی آورد.گرفتند دنیا را چسبیدند گفتند ما را می آمرزند به ما خیلی سختگیری نمی کنند.می ترسم تو مشمول این آیه شده باشی خَلَفَ مِن بَعدِهِم خَلفٌ وَرِثُوا الكِتابَ يَأخُذونَ عَرَضَ هذَا الأَدنى ويَقولونَ سَيُغفَرُ لَنا خب در واقع خیلی متاثرم از این روایت این نامه آخرش به ما یه موعظه ای کردند  إنَّكَ لَستَ في دارِ مُقامٍ ، أنتَ في دارٍ قَد آذَنَت بِرَحيلٍ مراقب باش که تو فعلا در یک خانه ای زندگی می کنی که اعلام داده که من خواهم گذشت.من ماندنی نیستم من خانه ی ابدی شما نیستم.  فَما بَقاءُ المَرءِ بَعدَ قُرَنائِهِ ؟! دیدی که هم ترازان تو رفتند خب تو هم دنبالشان می روی.وقتی که آنها می روند تو که باقی نخواهی ماند. طوبى لِمَن كانَ فِي الدُّنيا عَلى وَجَلٍ خوشا بحال اون آدمی که زندگی دنیاییش با ترس از خدا بگذرد خودش را در امان نبیند يا بُؤسَ لِمَن يَموتُ وتَبقى ذُنوبُهُ مِن بَعدِهِ ! وای بر بدبختیه اون آدمی که بمیرد و گناهانش بماند نتواند گناهان خودش را پاک کرده برود. اِحذَر الان تو را هشدار می دهم به هوش بیا فَقَد نُبِّئتَ وبادِر فَقَد اُجِّلتَ تو را با خبرت کردم سبقت بگیر در اصلاح خودت زیرا مهلت داده شده. تَجَهَّز خودتو آماده کن فَقَد دَنا مِنكَ سَفَرٌ بَعيدٌ یک سفر دور و درازی در پیش داری وداوِ ذَنبَكَ گناهت را مداوا کن فَقَد دَخَلَهُ سُقمٌ شَديدٌ  ما لَكَ لا تَنتَبِهُ چه شده از این چرتت بیدار نمی شوی؟داری چرت می زنی و نمی خواهی بیدار بشوی؟ما لَكَ لا تَنتَبِهُ مِن نَعسَتِكَ وتَستَقيلُ مِن عَثرَتِكَ ؟! آخرش هم جمله ای البته بعد متن مفصلی که نامه داره فَنَحمَدُ اللّه َ الَّذي عافانا مِمَّا ابتَلاكَ ما خدا را شکر می کنیم ما را گرفتار نکرد به آنچه تو را گرفتار کرده فَنَحمَدُ اللّه َ الَّذي عافانا مِمَّا ابتَلاكَ بِهِ ، وَالسلام این نامه مفصلی به زهری نوشته اند.حالا او هم ظاهرا متنبه شده و چون قصه ای دارد و بعد هم یک گناهی از او صادر شده بود که اینجا عرض شد که این حالت روانی به خود گرفت و خیلی ناراحت شد و در مکه بردنش آنجا توو مسجد الحرام نشسته بود همانجور متحیر و سرگردان تا امام ؟ع؟ رسید مقابلشان بعد فرمود چرا چی شده؟و او گفت من گناهی مرتکب شده ام و چنین آدمی در زندان من کشته شده و از این جهت من سخت ناراحتم و از قیامتم ترسانم.ولذا امام موعظه ای فرموده و فرمود یأس از رحمت خدا از گناهانت بزرگتره.آدم کشته ای گناه کرده ای ولی من اون ترسی که از یأست دارم از آدم کشتنت ندارم.بهرحال او می گفت بحال نشاط آمد و گفت آقایم مرا می آمرزد؟فرمود بله تو را می آمرزم و استغفار کن و دیه ی اون مقتول رو هم بده به سر کارت برو.او گفت من دادم از من نگرفتند و گفت به این چنین عمل کن.بریز توو کیسه ای موقعی که نماز هست موقع نماز توو خانه شان بیفکن و از این جهت ذمت بر این می شود و بعد هم استغفار کن و دنبال کارت برو.این کار را هم کرد بهر حال آخر عمری خب خوشبخت شد سعادتمند شد.یعنی ملازم با امام سجاد ؟ع؟ و عاقبت بنا بر نقلی که شده به سعادت از دنیا رفت.بهرحال این ذیل این آیه که فرمود مراقب باشید صدّ عن سبیل الله نکنید.این کار کفار است ممکنه شما کافر نباشید.خوش اعتقادید.فرق شما با کفار این خواهد بود که آنهااعتقادا کافرند.مُخَلَّد در جهنم هستند.ولی شما اگر اعتقادا مسلمان باشی ولی عملا صدّ عن سبیل الله بکنی کاری کنید مردم را از خدا منحرف کنید برگردانید به دین خدا بدبین کنید عذاب را دارید.منتهی عذاب مُخَلَّد ندارید کفار عذاب مُخَلَّد دارند.شما عذاب موقت خواهید داشت.عذاب موقت هم که خیلی ساده نیست.اون کمترین عذابش فرمودند که یک جفت کفش به پای آدم می پوشانند تا پوشید مغزش به جوش میاد.حالا یه لحظه اش حالا یه لحظه اینجوری بخواد یک ساعت باشد به این کیفیت بخواد مثلا یک روز باشد بخواد یک سال باشد بخواد ده سال باشد موقته.اما چه موقتی؟اون شب عرض شد بعضی از روایات داریم که بعضی از شما مولای متقین ؟ع؟ فرمود بعضی از شما ها که محب ما هستید به قدری گناهانشان جِرمش زیاده 300 هزار سال باید در جهنم موذب بشوند تا مشمول شفاعت ما قرار بگیرند.بله مُخَلَّد نیستند.کفار مُخَلَّدند اما هر کسی بخواهد برنامه ی کارش جوری بشود که دیگران را از دین بدبین کند به دین اینجور خواهد شد. نُذِقهُ مِن عَذابٍ أَليمٍ ما عذاب دردناکی به او می چشانیم.امام سجاد ؟ع؟ این جملاتشان و اون هم که مصلت اقتضا می کند که قبول کنند همه ی مصیبت ها را حتی زنجیر بر گردن مبارکش بگذارند بعد هم از کربلا به کوفه و از کوفه به شام.و به این کیفیت که در شام همون پیغامی که دارند بنا بر نقلی که شده است پیغام داده است که اقاد ذليلا في دمشق کانني من الزنج عبد غاب عنه نصيره  مرا در میان شام می چرخاندند اما زنجیر بر گردنم نهاده اند مانند اون اسیری که نصیر و یاور همراهش نباشد که حتی نوشته اند آورده اند اهل بیت آل الله را روی پله های مسجد جامع نشاندند مانند اسیرانی که از زنگ بار می آورند که انجا قلب مقدس امام ؟ع؟ به درد آمده به این کیفیت اقاد ذليلا في دمشق کانني من الزنج عبد غاب عنه نصيره

صلی الله علیک یا مولانا یا سید الساجدین یا زین العابدین

پروردگارا به حرمت امام سجاد ؟ع؟ در فرج امام زمان ما تعجیل بفرما.گناهان ما را بیامرز.توفیق بندگی با خلوص نیت به ما عنایت بفرما.همه ی ما را مروج اسلام و قرآن قرار بده.جزء محبین خاندان عصمت محسوب بفرما.حسن عاقبت به همه ی ما عنایت بفرما.رحم الله من قرأ فاتحة مع الصلوات